

تاریخ شفاهی و شفاهی‌نگاری در متون تاریخی (با تکیه بر کتاب تاریخ بیهقی)

• ابوالفضل حسن‌آبادی

برای قرون بعد است. بررسی منابع نوشتاری و محتوای کتاب نشان می‌دهد که مندرجات آن یا از مشهودات خود او بوده که در طی سالیان با دقت تمام به رشته تحریر درآمده یا از اطلاعاتی است که با کنجکاوی و علاقه فراوان از اشخاص و رجال مطلع وثقه به دست آورده است و مهم‌تر این که با استفاده از این منابع، در مورد حوادث و وقایع با تیزبینی و اشراف خاص خود اظهار نظر صحیح می‌کند. در این گفتار در مورد تفکرات تاریخی ابوالفضل بیهقی، که مجال زیادی می‌طلبد، بحث نمی‌کنیم؛ بلکه به آن قسمت از مطالب کتاب تاریخ بیهقی خواهیم پرداخت که خود آن را به عنوان یکی از منابع اصیل و اصلی ذکر می‌کند. یعنی شنیده‌های وی از دیگران و یا روایات شفاهی که به اصطلاح امروزی به آن تاریخ شفاهی گفته می‌شود و همچنین چگونگی تفکرات وی در قالب عناصر تاریخ شفاهی مثل مصاحبه‌کننده، مصاحبه‌شونده، مطالب جمع‌آوری شده و... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برای سنجش تطبیقی چارچوب‌های تاریخ شفاهی با افکار و کتاب بیهقی، ابتدا نگاه کوتاهی خواهیم داشت به تاریخچه و تعاریف مهم تاریخ شفاهی و عناصر کلی آن.

هرچند پیشینه علمی و روشمند تاریخ شفاهی یا Oral History به سده اخیر برمی‌گردد، اما تاریخچه آن را به قبل از پیدایش خط نسبت می‌دهند. از هنگامی که بشر شروع به تکلم کرد، تاریخ شفاهی نیز در شکل داستان و افسانه نسل به نسل و قوم به قوم نمود پیدا یافت. اولین یافته‌های مرتبط با تاریخ شفاهی را به سه هزار سال قبل به دست نوشته‌هایی از سلسله زو در چین نسبت می‌دهند^۱. قرن‌ها، بعد توسیدید نیز مصاحبه‌هایی با شرکت‌کنندگان در جنگ‌های پلوپونزی انجام

اخبار گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر نشانند یا از کسی باید شنید و یا از کتابی باید خواند^۲

یکی از مباحثی که در بررسی منابع تاریخ ایران کمتر به آن به صورت عمیق پرداخته شده، ارزش‌سنجی محتوای مطالب تاریخی و دسته‌بندی منشأ اخبار آورده‌شده از حیث چگونگی رسیدن مطالب به مؤلف است. نگاهی به کلیت متون تاریخی بعد از اسلام نشان می‌دهد که مؤلفین آنها اکثراً از سه نوع منبع اصلی در کتب خود استفاده کرده‌اند: ۱- مشاهدات شخصی ۲-

نقل باواسطه ۳- استفاده از سایر منابع و اسناد تاریخی
بررسی هر یک از موارد ذکر شده، از حیث اهمیت موضوعی و اعتبار محتوایی نیازمند تحقیقات فراوان در منابع است و به یقین کم خواهند بود منابعی که مؤلفین آن‌ها با استفاده از هر سه منبع اشاره‌شده، اثری در خور توجه و اصیل به وجود آورده و آگاهی و اشراف کامل نسبت به هدف خود داشته باشند. اما آثاری مانند تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ در زمره این آثار به شمار می‌روند. در این مجال هدف ما پرداختن به دسته‌بندی‌های ذکر شده نیست؛ بلکه با ارائه تعریف کلی از تاریخ شفاهی و مقایسه عناصر آن با شفاهی‌نگاری، به تبیین جایگاه ارزشمند یکی از مهم‌ترین و در عین حال اصیل‌ترین مورخان در تاریخ‌نگاری و فهم صحیح وی از تاریخ شفاهی، یعنی ابوالفضل بیهقی خواهیم پرداخت.

به جرأت می‌توان گفت که قدر و منزلت و جایگاه ابوالفضل بیهقی و تفکرات تاریخی وی حداقل در میان پژوهشگران تاریخی به شایستگی شناخته و معرفی نشده است. کتاب تاریخ بیهقی یکی از منابع بارز در دوران خود و الگو و نمونه‌ای



**تاریخ شفاهی آگاهانه و در قالب
مصاحبه‌های رسمی پیاده‌شده بر روی
کاغذ، از سال ۱۷۷۵ و بعد از جنگ‌های
لکسینگتون (Lexington) و کنکورد
(Concord) شکل گرفت**

- ۴- راهی برای وارد کردن مردم در خلق تاریخ خودشان^{۱۳}
- ۵- راهی برای دموکراتیک کردن تاریخ^{۱۴}
- ۶- برداشتن آزادگرایانه از مفهوم اجتماعی تاریخ^{۱۵}
- ۷- مردم شناسی متقابل^{۱۶}

عناصر تاریخ شفاهی

- ۱- مصاحبه: گزارش و حاصل ارتباط میان دو سوی ارتباط به منظور دستیابی به واقعیت تاریخی که دارای یک یا چند ارزش است^{۱۷} و توسط آن عقاید و افکار شخصیت‌های مهم و یا نظر مردم عادی در مورد موضوعات پرسیده می‌شود^{۱۸} در واقع مصاحبه یک گفت‌وگوی صرف نیست و مصاحبه‌کننده باید خاطرات افراد را ضبط و آنها را ترغیب به حرف زدن کند^{۱۹}.
- ۲- موضوع مصاحبه و اشراف و آگاهی نسبت به آن: براساس اهمیت یک واقعه، حادثه یا موضوع تاریخی تعیین می‌شود و در راستای آن مصاحبه صورت می‌گیرد.
- ۳- مصاحبه‌کننده: فردی که به عنوان مجری و اداره‌کننده مصاحبه باید با دارا بودن شرایط خاص اطلاعات تاریخی دقیق

داد. در تاریخ اسلامی نمونه بارز اهمیت و جایگاه تاریخ شفاهی را باید در روایات، احادیث و نقل حوادث قرن اول اسلام مشاهده کرد. زمانی که کتابت احادیث ممنوع بوده و نقل شفاهی تنها راه حفظ آن بوده است.^{۲۰}

تاریخ شفاهی آگاهانه و در قالب مصاحبه‌های رسمی پیاده‌شده بر روی کاغذ، از سال ۱۷۷۵ و بعد از جنگ‌های لکسینگتون (Lexington) و کنکورد (Concord) شکل گرفت^{۲۱} و بعد از آن در کالیفرنیا^{۲۲} و نیویورک گسترش پیدا کرد. قرن بیستم را باید عصر شکل‌گیری و گسترش تاریخ شفاهی نامید. از سال ۱۹۳۰ اطلاعات بازرشی در قالب خاطرات بازماندگان مهاجران به آمریکا جمع‌آوری شد^{۲۳}. اختراع ضبط صوت باعث شد تاریخ شفاهی وارد مرحله جدیدی شود. تاریخ شفاهی تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و گام‌های بلندی در تکامل خود برداشته است^{۲۴} و امروزه به عنوان یک روش تحقیقی بازرشی تاریخی مورد استفاده پژوهشگران در رشته‌های مرتبط قرار می‌گیرد^{۲۵} و صدها دانشگاه، انجمن و مؤسسه مشغول فعالیت در این زمینه هستند. تاریخ شفاهی از سوی افراد مختلف به صورت‌های گوناگون تشریح و تعریف شده است. برخی از مهم‌ترین این تعاریف عبارتند از:

- ۱- گفت‌وگوی آگاهانه و منظم بین دو فرد در مورد جنبه‌هایی از گذشته^{۲۶}.
- ۲- روش جمع‌آوری و نگهداری خاطرات گفته‌شده و نظرات شخصی از حوادث تاریخی که از طریق مصاحبه با شرکت‌کنندگان در وقایع گذشته شکل می‌گیرد^{۲۷}
- ۳- جمع‌آوری اطلاعات گذشته از طریق مصاحبه با مردم^{۲۸}

کسب کند و شرایطی مانند تخصص در موضوع مصاحبه^{۲۰}، خوب گوش کردن و خوب توصیف کردن، عدم توجه به علایق و اهداف شخصی و... را داشته باشد^{۲۱}.

۴- مصاحبه‌شونده: فردی که دارای اطلاعات شفاهی (مشاهده یا دخالت مستقیم) در مورد یک واقعه و حادثه است. در مورد مصاحبه‌شونده باید مسائلی مانند انتخاب افراد مرتبط با موضوع بحث، انتخاب افراد ثقه و دقیق رعایت شود^{۲۲}.

بیهقی و تاریخ شفاهی

بسیاری از امورات انسانی بدون این که اثر یا نشانه‌ای از خود بر جای گذارند، اتفاق می‌افتند. هر اتفاقی در گذشته، پس از بر جای گذاشتن اثرات محدود، از دست می‌رود. نوشته‌های تاریخی تنها بخش کوچکی از آن چه را فقط یک بار اتفاق افتاده است، به تصویر کشیده‌اند؛ مقدار کمی از آن چه مشاهده شده به وسیله کسانی که آن را مشاهده کرده‌اند، به خاطر آورده می‌شود؛ تنها قسمت کمی از آنچه ثبت می‌شود، باقی می‌ماند؛ بخشی از آن چه مورد توجه مورخان قرار گرفته، قابل اعتماد است و تنها قسمتی از آنچه قابل اعتماد است، درک می‌شود^{۲۳}.

جملات ذکر شده حاوی بار معنایی بسیاری در مورد ثبت و ضبط و انتقال وقایع تاریخی و یک دوره است. اطلاعات بسیار محدودی در برخی از مقاطع تاریخی ما، آن هم نه به صورت صحیح و کامل، به آینده منتقل شده که یکی از نمونه‌های بارز آن تاریخ بیهقی است، متأسفانه اکثر مجلدات این اثر از بین رفته است. در این جا مفاهیم مرتبط با تاریخ شفاهی را از لابه‌لای سطور باقیمانده اثر سترگ بیهقی خواهیم جست. او در اثرش گاه به عنوان مصاحبه‌کننده، گاه به عنوان مصاحبه‌شونده و گاه به عنوان استفاده‌کننده از تاریخ شفاهی، مهارتش را به صورت کمال به نمایش گذاشته است برخی از مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

۱- آگاهی و اشراف نسبت به موضوع:

از مهم‌ترین عناصر تاریخ شفاهی آگاهی مصاحبه‌کننده یا مجری نسبت به موضوع و کار و استفاده از فرصت برای کسب اطلاعات و ارائه آن در زمان صحیح است. بیهقی به عنوان یک

مصاحبه‌کننده قوی که وقایع را روایت کرده است و یا بر نقل آن نظارت می‌کند، واجد تمام صفات است:

«... پس من بخلیقتی ایشان این کار را پیش گرفتم که اگر توقف کردمی منتظر آنکه تا ایشان بدین شغل پردازند، بودی که نپرداختندی و چون روزگار دراز برآمدی این اخبار از چشم و دل مردمان دور ماندی و کس دیگر خاستی این کار را که برین مرکب آن سوادى که من دارم نداشتی^{۲۴}» و یا: «و این قصه نبشتم تا هر کس بداند که این احوال چون بود تا خوانندگان را فایده بحاصل آید که احوال تاریخ گذشته اهل حقایق را معلوم باشد^{۲۵}». در خطبه خوارزم و در سطورى که در باب اهمیت تاریخ می‌آورد، دیدگاه و بینش عمیق خود را در آگاهی نسبت به کار آشکار می‌کند.

۲- مشاهده صحیح: یکی از شروط مستندسازی صحیح

وقایع در تاریخ شفاهی، شناسایی دقیق منابع اطلاعاتی و گزینش افرادی است که خود شاهد واقعه و مورد اعتماد و ثقه باشند. شرطی که در اکثر کتب تاریخی ما تا حدودی مغفول مانده و کمتر به آن توجه شده است. در ذکر مطالب مربوط به یک واقعه در درجه اول باید فرد مشاهدات و اطلاعات خود را بیان کند و سپس از اطلاعات افرادی که دخالت مستقیم در واقعه داشته یا از نزدیک شاهد آن بوده‌اند، استفاده کند. چنانچه بیهقی آورده است: «و من که این تاریخ پیشی گرفته‌ام التزام این قدر کرده‌ام تا آن چه نویسم یا از معاینه من است یا سماع درست از مردی ثقه^{۲۶}».

بیهقی آگاهانه مشاهده خود را ارجح بر کلیه مشاهدات می‌شمارد و در درجه بعد مشاهدات دیگران را نقل می‌کند. شروطی نیز برای این نقل برمی‌شمارد که در منابع دیگر کمتر می‌توان یافت که عبارتند از: «و اخبار گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر نشانند یا از کسی باید شنید و یا از کتابی باید خواند و شرط آن است که گوینده باید که ثقه و راستگو باشد و نیز فرد گواهی دهد که آن فرد درست است^{۲۷}». نکته مهم آن که او مورد اطمینان بودن فرد را تنها به عنوان یکی از شروط اصلی برمی‌شمارد و تیزبینی و هوشیاری شنونده یا مصاحبه‌کننده را در درک صحیح مطلب و تحقیق و جستجو در صحت یا عدم صحت آن نیز یکی دیگر از شروط می‌داند.



یکی از عواملی که در تاریخ شفاهی باید مدنظر قرار گیرد، عدم پیش داوری و دخالت دادن نظرات شخصی مصاحبه‌کننده یا مجریان پروژه‌های تاریخ شفاهی در بیان حقایق است

دیگر در مورد بوسهل زوزنی می‌گوید: «و خواجه بوسهل زوزنی چند سال است تا گذشته شده است و پاسخ آن که از وی رفت گرفتار و ما را را با آن کار نیست هر چند مرا از وی بد آید به هیچ حال چه بشست و پنج آمده و بر اثر وی می‌باید رفت و در تاریخی که می‌کنم سخنی نرانم که آن به تعصبی و ترد می‌کشد و خوانندگان گویند شرم باد این پیر را^{۲۰}» انصاف و عدم پیش‌داوری خود را در مورد بوسهل زوزنی به کمال می‌رساند و در تکمله سخنانش در مورد او می‌آورد: «... این بوسهل مردی امامزاده و محتشم، فاضل و ادیب بود اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده^{۲۱}».

یکی از استانداردهای تاریخ شفاهی که دائماً به مجریان پروژه‌ها و مصاحبه‌کنندگان گوشزد می‌شود، در نظر گرفتن جامعه استفاده‌کنندگان از منابع و رعایت مسائل اخلاقی در ضبط و انتقال آن است. مسأله‌ای که در تمامی نقل‌قول‌های مذکور از

۳- عدم پیش‌داوری، رعایت انصاف و حساس بودن نسبت به قضاوت دیگران: یکی از عواملی که در تاریخ شفاهی باید مدنظر قرار گیرد، عدم پیش‌داوری و دخالت دادن نظرات شخصی مصاحبه‌کننده یا مجریان پروژه‌های تاریخ شفاهی در بیان حقایق است. به تمامی مصاحبه‌کنندگان قبل از شروع کار توصیه اکید می‌شود که از هر گونه اظهار نظر شخصی بدون پشتوانه سندی، دخالت دادن گرایش‌ها و تفکرات، غرض‌ورزی و تعصب در حین مصاحبه خودداری کنند. بیهقی به خوبی این نکته را در ذکر روایات شفاهی رعایت می‌کند. او بارها تأکید می‌کند که هیچ‌گاه در ذکر روایات دچار تعصب و پیش‌داوری نشده و همواره سعی کرده است طریق صواب در پیش گیرد، خصوصاً در مواردی که قبلاً بین او و فرد راوی کدورتی بوده، وسواس زیادی به خرج داده است. چنان‌چه درباره بوسهل زوزنی، تنها به ذکر کلمه زعارت بسنده می‌کند و می‌آورد که: «... و آن نوشتم که پیران محمودی و مسعودی چون بر آن واقف شوند، عیبی نکنند^{۲۲}» و یا در جای دیگری می‌آورد: «و چون در تاریخ بدین جای رسم این حال به تمامی شرح دهم و این نه از آن می‌گویم که من از بوسهل جفاها دیدم که بوسهل و این قوم همه رفته‌اند و مرا پیداست که روزگار چند مانده است اما سخنی راست باز می‌نمایم و چنان دائم که خردمندان و آنان که روزگار دیده‌اند و امروز این را برخوانند بر من بدین چه بنبشتم عیبی نکنند^{۲۳}». و در جای



تاریخ بیهقی برجسته می‌نماید اهمیت خوانندگان و دیدگاه آنان برای بیهقی و سعی او در نشان دادن رعایت این مهم است که کمتر در سایر منابع تاریخی می‌توان سراغ گرفت.

مصاحبه‌شونده و یا راوی باید مسئولیت تمامی سخنان خود را نسبت به موضوعات و یا افراد بپذیرند و ضمناً با توجه به اینکه هر فرد از دیدگاه خود به موضوع می‌نگرد، در بیان وقایع به نحوی رفتار نکند که صرفاً خود را راستگو بداند و سایر اقوال و گفته‌ها را غلط

۴- مسئولیت‌پذیری نسبت به نوشته‌ها و عدم اصرار در قطعیت روایت خود: مصاحبه‌شونده و یا راوی باید مسئولیت تمامی سخنان خود را نسبت به موضوعات و یا افراد بپذیرند و ضمناً با توجه به اینکه هر فرد از دیدگاه خود به موضوع می‌نگرد، در بیان وقایع به نحوی رفتار نکند که صرفاً خود را راستگو بداند و سایر اقوال و گفته‌ها را غلط و این امکان را به خواننده بدهد که مطالب وی را با قطعیت نپذیرد و در مورد صحت و سقم آن تحقیق کند. بیهقی در کتابش در مواردی که خود شاهد موضوع نبوده یا شک نسبت به مطلب دارد، خصوصاً در روایاتی که از دیگران نقل می‌کند، کلمه والله اعلم بالصواب را می‌آورد. مانند ذکر استقبال خواجه علی میکائیل از سلیمانی رسول که چون اطلاعاتش نه بر مبنای مشاهدات خود و یا فردی ثقة بوده است، این عبارت را به کار می‌برد.^{۳۲}

اهمیت اطلاعات جمع‌آوری‌شده را دو چندان می‌کند. گاه ممکن است در یک مصاحبه، مصاحبه‌شونده علاوه بر مشاهدات خود، از افراد دیگری که احتمالاً اطلاعاتی را به او داده‌اند، نام ببرد. با توجه به این که مصاحبه‌کننده نسبت به آن افراد و اطلاعات آنها تصویر صحیح ذهنی ندارد و یا ممکن است افرادی که از آنان نقل می‌شود، در زمان واگویی اطلاعات در قید حیات نباشند، مصاحبه‌شونده باید به منظور مستندسازی مطالب خود، توضیحات بیشتری نسبت به این افراد ارائه دهد و مشخص کند چه قسمتی از مطالب اوست و چه مقدار را از بقیه وام گرفته است. این مهم را بیهقی به خوبی دریافت و رعایت کرده است که در این جا مواردی از آن ذکر می‌شود:

- در ذکر عروسی محمد پسر محمود: و من که بالفصلم

۵- معرفی منابع اطلاعاتی و نگهداری امانت در ذکر مطالب: یکی از موارد مهم در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، استفاده از مصاحبه‌شونده‌های شناخته‌شده و معتبر استفاده شود. این امر

مصاحبه‌کننده باید مشخص کند که کجا خود شاهد مستقیم واقعه بوده، کی از کسی شنیده و چه زمانی ارتباط مستقیم با موضوع نداشته است. بدین ترتیب، ضمن مشخص شدن ارزش اطلاعات داده‌شده، در استناد کردن نیز دقت بیشتری صورت می‌گیرد

– و من که بوالفضلم کشتن قائد منجوق را تحقیق‌تر از خواجه احمد عبدالصمد شنیدم^{۴۳}.

– و اوستادم را اجل نزدیک رسیده بود و درین روزگار سخنانی می‌رفت بر لفظ وی ناپسنیدیده که خردمندان آن نمی‌پسندیدند یکی آن بود که آن روز عرض به گورستانی بر گذشت و من با وی بودم^{۴۴}.

– آمدن سلطان مسعود بگرگان: من که بوالفضلم دانستم که اتفاق افتاده باشد^{۴۵}.

– در ذکر بخشیدن بوالفتح بستی و بونصر مشکان: و من که بوالفضلم همسایه بودم زودتر از زائران نزدیک ایشان رفتم^{۴۶}.

– در ذکر خلعت وزارت پوشیدن خواجه احمد: آنچه گویم از معاينه من است و از تعلیق که دارم و از تقویم^{۴۷}.

– ذکر شکار سلطان مسعود در هرات: و چون به خیمه فرود آمد نشاط شراب کرد و من که عبدالغفارم ایستاده بودم^{۴۸}.

– در آن وقت که میکائیل بزاز پیش آمد و آن آچارها پیش آوردند و بر خمرها باز کردند من که عبدالغفارم ایستاده بودم^{۴۹}.

– ذکر اختلاف محمود و مسعود: و مرا که عبدالغفارم فرمود تا ایشان را سوگند دادم و بازگشتم^{۵۰}.

– در روایت از بونصر از سلطان ابوشجاع فرخزاد: و من که بوالفضلم از استادم شنودم و همگان رفتند^{۵۱}.

از مستی زرین مطربه شنودم و این زن سخت نزدیک بود به سلطان^{۳۳} و یا در ذکر اسمعیل بن شهاب گوید: از احمد بن ابی‌داود شنیدم و این احمد مردی بود که با قاضی القضاتی وزارت داشت^{۳۴}.

در مورد عبدالغفار که از وی زیاد مطلب آورده است می‌گوید: «... و او آن ثقه است که هر چیزی که خرد و فضل وی آن را سجل کرد به هیچ گواه حاجت نیاید که این خواجه ادام الله نعمته از چهارده سالگی بخدمت این پادشاه پیوست و در خدمت وی گرم و سرد بسیار چشید^{۳۵}».

– چنانکه از عبدالملک نقاش مهندس شنودم که روزی پیش سرهنگ بوعلی کوتوال گفت^{۳۶}.

– و پس از آن شنیدم از ابوالحسن خربکی که دوست من بود و از مختصان بوسهل^{۳۷}.

– از عبدالملک مستوفی بست شنیدم در سته خمس و اربعمائه و این آزادمرد مردی دبیر است و مقبول‌القول و بکار آمد در استیفا آیتی^{۳۸}.

– حکایت کرد مر اشرف ابوالمظفر بن احمد بن ابی القاسم الهاشمی الملقب به علوی در سال ۴۵۰ و این آزاد مردی است با شرف و نسب و فاضل و نیک شعر^{۳۹}.

– و بونصر بستی دبیر که امروز بر جای است مردی سدید و دبیری نیک و نیکو خط^{۴۰}.

۶- جدا کردن مشاهده از نقل و روایت یک حادثه و واقعه: از مسائلی که در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی باید رعایت شود، دسته‌بندی اطلاعات گرفته‌شده از مصاحبه‌شونده و عدم تداخل موضوعی آنهاست. یعنی برای استفاده‌کننده از اطلاعات مصاحبه، مصاحبه‌کننده باید مشخص کند که کجا خود شاهد مستقیم واقعه بوده، کی از کسی شنیده و چه زمانی ارتباط مستقیم با موضوع نداشته است. بدین ترتیب، ضمن مشخص شدن ارزش اطلاعات داده‌شده، در استناد کردن نیز دقت بیشتری صورت می‌گیرد. بیهقی این نکته را به خوبی رعایت کرده است:

– در ذکر شکست هندوان... من که بوالفضلم با امیر به خدمت رفته بودم به باغ^{۴۱}.

– در ذکر خواجه ابوالمظفر برغشی... من که بوالفضلم این ابوالمظفر را نیشابور دیدم^{۴۲}.

۶- مستندسازی روایات و مطالب نقل شده

یکی از ایراداتی که بر تاریخ شفاهی گرفته می‌شود، ضعف خاطرات و ضعف مطالب نقل شده است که ممکن است به دلالتی مانند ثقه نبودن راوی، عدم اشراف بر موضوع، عدم دسترسی به مدارک، تعصب فکری و پیش‌داوری و... باشد. دبیری به او اجازه می‌داده است بر غالب موضوعاتی که ذکر کرده، اشراف داشته باشد:

– بونصر مشکان نامه نبشت و سخت نادرنامه بود^{۵۲}.

– نوشتن نامه مسعود به خلیفه و نسخه پیمان خلیفه القایم به مسعود که متن فارسی و عربی را با هم آورده که حاکی از دسترسی وی به اصل نامه بوده است^{۵۳}.

– دمامد ملطف‌های منهیان رسول به درگاه آمد^{۵۴}.

- قوم همه بازگشتند و امیر برخاست و بجای خود باز شد و بوالعلاء بدیوان وزارت آمد، نامها و مشافهات استادم بستد و بخواند نبشته بود.^{۵۵}

- در روز سه شنبه نهم ذی الحجه این اساسنامه رسید که سلیمانی رسول بشورستان رسید.^{۵۶}

۷- ذکر و شرح دقیق وقایع و حوادث و جلوگیری از اطناب کلام

بیان مطالب به نحوی که شنونده با حال و هوای زمان واقعه آشنا شود، از هنرهای مصاحبه‌شونده و گوینده خاطرات است. مطلبی که کمتر در آثار تاریخی ما به چشم می‌خورد. بیهقی در اثرش به تناسب کلام و اهمیت موضوع، گاه به زیبایی ایجاز را رعایت می‌کند و گاه استادانه در مورد یک موضوع به جزئیات شرح می‌نگارد:

- اگر از خوانندگان این کتاب کسی گوید این چه درازی است که بوالفضل در سخن می‌دهد جواب آنست که من تاریخ می‌کنم پنجاه سال را که بر چندین هزار ورق افتد.^{۵۷}

- نسخت سوگندنامه و آن مواضعه بیاوردهام در مقامات محمودی که کردهام، کتاب مقامات و این تکرار نکردم که سخت دراز شدی.^{۵۸}

- در ذکر البسه وزارت می‌آورد: خواجه بر پای خاست و زمین بوسه داد و پیش تخت رفت و عقدی گوهر به دست امیر داد و گفتند ده هزار دینار قیمت آن بود امیر مسعود انگشتی ملک ماست و بتو دادیم.^{۵۹}

پایان سخن:

مقایسه اثر بیهقی با مورخان هم‌عصر و قبل یا بعد از خود بعضی ویژگی‌ها را در وجود وی آشکار می‌سازد که در دیگران کمتر دیده شده یا دیده نمی‌شود. راستی و صداقت، توجه به شرح دقیق مطالب، تفکیک و مستندسازی مطالب ارائه داده شده، ارزش‌سنجی محتوای مطالب نقل شده، توجه به ماهیت و هدف از کار، استفاده صحیح از نقل قول‌های دیگران و مستندسازی مطالب با اسناد و مدارک تاریخی از جمله نکات مثبت وی به شمار می‌روند. با توجه به بررسی منابع تاریخی، مشخص می‌شود که یکی از عمده‌ترین منابع اطلاعاتی مورخان گذشته استفاده از نقل قول‌های دیگران در ذکر حوادث بوده است. چگونگی و چرایی این استفاده از مسائلی است که ارزش اطلاعاتی آثار را

تحت الشعاع خود قرار داده است. بیهقی را باید یکی از بزرگ‌ترین مورخانی به شمار آورد که ضمن آگاهی بر منابع مختلف خبری تاریخی، بر میزان ارزش هر یک از آنها و چگونگی افزودن این اعتبار، وقوف کامل داشته است و بحق یکی از بی‌نقص‌ترین منابعی است که از روایات صحیح و مستند در تاریخ خود استفاده کرده است.

از لحاظ مقایسه‌ای عناصر تاریخ‌نگاری بیهقی با فاکتورهای تاریخ شفاهی، بیهقی را باید یک تاریخ‌شفاهی دان دانست که با وقایع‌نگاری شفاهی آگاهانه خود بسیاری از جوانب و حواشی مرتبط با تاریخ‌نگاری خود را دقیقاً مورد توجه قرار داده و به آن پرداخته است.

پی‌نوشت:

۱. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر فیاض و دکتر غنی، انتشارات بانک ملی، تهران، ۱۳۲۴، ص ۶۶۶

2. William W. Moss " Oral history. What Is It and Where Did It Come From" In ,The past Meets Present, Essay On Oral history, Ed David Striklin and Rebecca Sharpless (Lanharng, Md:University Press Of America, 1988, p5

3. Tucyides, History of the Peloponnesia War (New York, Penguin, 1972) p 48

۴. برای اطلاع بیشتر تک به مرتضی نورایی، فصلنامه تحقیقاتی تاریخی گنجینه اسناد، سال سیزدهم، دفتر اول دوم، بهار و تابستان، ریال، ۱۳۸۲، ص ۶۶

5. David Hackett Fischer, Paul Revers Ride (New York: Oxford University Press/1994) p 327

6. Donald A. Ritchie, Press Gallery, Congress and The Washington Correspondents (Cambridge: Harvard University Press, 1991) p 81-83

7. Donald A. Ritchie, "Oral history in Federal Government" Journal of American History. 74 (September/ 1987) 587-595

8. Daivid K. Dunway, The Interdisciplinary of Oral History, In Oral History An Interdisciplinary Anthology, Edited by Daivid K. Dunway and Willa k. Baum, Second Edition, Altamira Press, 1996, p 8

- ۲۵ . همان؛ ص ۶۴۰
- ۲۶ . همان؛ ص ۶۶۷
- ۲۷ . همان؛ ص ۶۶۶
- ۲۸ . همان؛ ص ۶۰۲
- ۲۹ . همان؛ ص ۵۴
- ۳۰ . همان؛ ص ۱۷۹
- ۳۱ . همان؛ ص ۱۷۹
- ۳۲ . همان؛ ص ۳۵۶-۲۸۷-۴۸
- ۳۳ . همان؛ ص ۳۹۶
- ۳۴ . همان؛ ص ۷۳
- ۳۵ . همان؛ ص ۱۱۰
- ۳۶ . همان؛ ص ۴۹۹
- ۳۷ . همان؛ ص ۱۸۸
- ۳۸ . همان؛ ص ۲۰۴
- ۳۹ . همان؛ ص ۲۰۱
- ۴۰ . همان؛ ص ۱۵۷
- ۴۱ . همان؛ ص ۴۳۱
- ۴۲ . همان؛ ص ۳۵۸
- ۴۳ . همان؛ ص ۳۳۱
- ۴۴ . همان؛ ص ۵۹۰
- ۴۵ . همان؛ ص ۴۵۹
- ۴۶ . همان؛ ص ۱۷۱
- ۴۷ . همان؛ ص ۱۲۹
- ۴۸ . همان؛ ص ۱۲۷
- ۴۹ . همان؛ ص ۱۲۹
- ۵۰ . همان؛ ص ۱۳۶
- ۵۱ . همان؛ ص ۱۴۶
- ۵۲ . همان؛ ص ۴۵۷
- ۵۳ . همان؛ ص ۳۰۲
- ۵۴ . همان؛ ص ۴۸۸
- ۵۵ . همان؛ ص ۵۰۹
- ۵۶ . همان؛ ص ۲۸۶
- ۵۷ . همان؛ ص ۱۹۸
- ۵۸ . همان؛ ص ۱۵۴
- ۵۹ . همان؛ ص ۱۵۶
- ۹ . برای اطلاع بیشتر در مورد تاریخ شفاهی و مفاهیم آن نگاه کنید به ابوالفضل حسن آبادی، تاریخ شفاهی در ایران، سازمان کتابخانه ها موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۵
- 10 linda Shopes, "What Is Oral history" <http://historymatters.gmu.edu/mse/>
- 11 <http://www.iranian-i-o-history.com./tarikh.htm>
- 12 "An Oral History Primer" library.ucsc.edu/reg-hist/ohprimer.html, p3
- 13 Frisch, Michael, "Quality in History Programs," In *A Shared Authority: Essays on the Craft and Meaning of Oral and Public History* (Albany, NY: Statue University of New York Press, 1990), 188
- 14 (Ronald J. Grele, , interviewed by Studs Terkel), "It's Not the Song, It's the Singing: Panel Discussion on Oral History," In Grele, Ronald J., *Envelopes of Sound: The Art of Oral History* 2nd ed (Chicago: Precedent Publishing, 1985), 87.
- 15 <http://Alexander Street Press Oral History Index.htm>, p1
- 16 Rouve Alicia j." Colaborative Oral history in a Correctional setting: Promise and Pitfalls" *The Oral history Review* 30(1) Winter/Spring 2003/p 61
- ۱۷ . سوزان ران، شیوه های مصاحبه در مطبوعات، ترجمه علی ایفاری کسمایی و یونس شکرخواه انتشارات موسسه ایران، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۳
- ۱۸ . کاظم معتمد نژاد، روزنامه نگاری، با همکاری دکتر ابوالقاسم منصف، سپهر، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۸۷
- 19 <http://www.oham.org/Interview/htm>
- 20 evaluation Guidelines, <http://omega.diskinson.edu/organization.p4>
- 21 janet sims-wood, how to conduct An oral History Interview/ <http://www.huarchi.lesnet.howard.edu/9911huarnet/ohtech.htm>, p8
- ۲۲ . ابوالفضل حسن آبادی، معیارهای جهانی تاریخ شفاهی، گنجینه اسناد سال چهاردهم، دفتر سوم پاییز ۸۳، شماره ۵۵، ص ۱۱
- 23 Donal Ritchie, doing oral History *Doing oral History*" oxford university press 2003 p,1
- ۲۴ . ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، صص ۱۰۸-۱۰۹